

سنجش اثرگذاری قلمروهای سه گانه فضای کالبدی بر سرمایه اجتماعی

(مورد مطالعه: شهرک اکباتان تهران)

فاطمه رجبی^۱، لیلا زارع^{۲*}، سیدباقر حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱)

Measuring the Effect of the Three Realms of Physical Space on Social Capital
(Case Study: Ekbatan Town of Tehran)Fatemeh Rajabi¹, Leila zare^{2*}, Seid Bagher Hosseini³

1. Ph.D Student in Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of architecture, Science and Industry University, Tehran, Iran

(Received: 11/Mar/2021

Accepted: 22/Jul/2021)

Abstract

Today's urban physical spaces are not a suitable environment for the formation and strengthening of mutual social relations and participation in the form of social groups. Social relations are influenced by different characteristics of organizing the environment and its effect on the behavior and formation of human social capital is obvious. These features include cohesiveness, permeability, readability, and scale. In fact, the quality of human presence and social activity is not independent of the space and they have a bilateral relationship with each other. Recently, several efforts have been made to promote social interactions, but the level of social capital has not changed significantly. A review of the research background in the field of physical environment has shown that spatial domains have been neglected. Therefore, the purpose of this study is to assess the relationship between spatial domains (private, semi-private and public) with social capital at the neighborhood level. The present study is a case study that analyzed survey data obtained from a sample of 382 people in Ekbatan, Tehran. The selection of the statistical population is based on the results of socio-cultural clustering of Tehran neighborhoods (2015), social science studies of Al-Zahra University and the author's field observations. The results of statistical analysis of the refined questionnaires showed that satisfaction with the private domain, appropriate environmental qualities in the public domain and self-esteem (as one of the individual characteristics) are correlated with social capital. Also, the existence of important activities and common behavior in public service spaces is effective in promoting social capital. Findings showed that paying attention to residents' housing and improving the physical quality of semi-private and public areas should be a priority in local planning.

Keywords: Physical Space, Social Capital, Ekbatan, Tehran.

چکیده

فضاهای کالبدی امروزه محیط مناسبی برای شکل‌گیری و تقویت روابط اجتماعی متقابل و مشارکت در قالب گروه‌های اجتماعی نیست، زیرا روابط اجتماعی تحت تأثیر ویژگی‌های مختلف ساماندهی محیط مانند هم‌پیوندی، نفوذپذیری، خوانایی و مقیاس بر رفتار و سرمایه اجتماعی به‌وجود آمده میان انسان‌ها، بسیار مؤثر است. در واقع کیفیت حضور و فعالیت اجتماعی انسان‌ها، فارغ از کالبد فضا نبوده و از رابطه‌ای دوسویه برخوردار است. اخیراً تلاش‌های متعددی در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی صورت گرفته اما سطح سرمایه اجتماعی، تغییر قابل‌توجهی نیافته‌است. در این تحقیق با بررسی ادبیات موضوع در حوزه محیط کالبدی، شکاف مطالعاتی را بی‌توجهی به قلمروهای فضایی تبیین می‌کند، لذا هدف این تحقیق به صورت سنجش ارتباط قلمروهای فضایی (خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی) با سرمایه اجتماعی در محله تدقیق شده است. این تحقیق به روش مطالعه موردی با تجزیه و تحلیل داده‌های نظرسنجی حاصل از پیمایش ۳۸۲ نفر در شهرک اکباتان تهران انجام شده، انتخاب جامعه آماری براساس نتایج خوشه‌بندی فرهنگی اجتماعی محلات تهران (۱۳۹۷)، مطالعات علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا و مشاهدات میدانی نگارنده صورت گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری پرسش‌نامه‌های پالایش شده نشان می‌دهد که رضایت از قلمروی خصوصی، کیفیت محیطی مناسب در قلمروی عمومی و عزت‌نفس به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فردی با سرمایه اجتماعی همبستگی دارند. همچنین وجود فعالیت‌ها و رفتار مشترک مهم در فضاهای عمومی خدماتی در ارتقای سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد توجه به مسکن ساکنان و بهبود کیفیت کالبدی قلمروهای نیمه‌خصوصی و عمومی باید در برنامه‌ریزی محلی در اولویت قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: قلمرو، فضای کالبدی، سرمایه اجتماعی، اکباتان، تهران.

*Corresponding Author: Leila Zare
zare.leila@gmail.com

مقدمه

امروزه در فضاهای کالبدی، زمینه مناسبی جهت تعاملات اجتماعی متقابل میان انسان‌ها فراهم نیست، درحالی‌که انسان موجودی اجتماعی در بستر مکان بوده و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی وی و تأمین فرصت‌های لازم جهت برقراری تعاملات با دیگران از طریق فضاهای کالبدی صورت می‌گیرد. محلات یکی از این بسترها جهت روابط اجتماعی انسان است که امروزه خصیصه‌های لازم را جهت پوشش این دسته از نیازهای ساکنین ندارد.

از قرن نوزدهم همواره تلاش‌های متعددی در خصوص طراحی بهینه فضاهای کالبدی محلات صورت گرفته است، این تلاش‌ها که اغلب تحت تأثیر قالب‌های هندسی تکرار شونده بودند، در ابتدا صرفاً با هدف اولویت حرکت سواره، برابری اجتماعی، استفاده از امکانات محیطی مانند نور، تهویه و اشتراکی نمودن عرصه‌های عمومی برای زندگی اجتماعی با ایجاد حداکثر فضاهای باز به وجود آمدند؛ الگوهای شبکه‌ای، خطی و مرکزی (مظفر و اسدیپور، ۱۳۹۱) این دوران باعث ساماندهی فضاها به گونه‌ای شدند که اولاً شرایط عبور وسایل نقلیه تسهیل شود و پس از آن شرایط زیستی و دسترسی مطلوب به فضاهای عمومی برای ساکنین به وجود آید. با این الگو، مدارس به بهانه کارآمدی از موقعیت سنتی خود در قلب محله به حاشیه رفتند تا به آسانی در دسترس خودروها قرار گیرند و به این ترتیب پیاده‌روی کوتاه تا مدرسه و روابط غیررسمی که در این مسیر عموماً شکل می‌گرفت ناممکن شد. علاوه براین، فضاهای بازی کوچک مجاور خانه‌ها از بین رفته و به زمین‌های بزرگ ورزشی تبدیل شدند که عموماً دسترسی به آن‌ها از طریق خودرو امکان‌پذیر است، این تغییر علاوه بر آن که باعث شد خود بازی با انضباطی خاص (نه به عنوان یک رابطه غیررسمی) اجرا شود، خودجوش بودن را هم از بازی حذف کرد. بنابراین آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد اقدامات آگاهانه طراحان شهری منجر به از بین رفتن قلمروهایی از زندگی اجتماعی مردم شد که پیش از این کارایی زیادی در روابط غیررسمی داشته‌اند. این امر منجر به تفرقه و جدایی مردم از یکدیگر شده و گسترش فردگرایی، یکی از معضلات اجتماعی جامعه امروز است. در واقع به نظر می‌رسد علی‌رغم تلاش طراحان شهری، آن نتیجه ایده‌آلی که در جهت ایجاد سطح مطلوبی از زندگی اجتماعی در عرصه عمومی برای مردم در نظر گرفته شده بود، به دست نیامده. این در حالی است که در

محلات قدیمی‌تر که در طول زمان به صورت ارگانیک رشد کرده‌اند، سطح قابل‌توجهی از زندگی اجتماعی جریان دارد. محمود توسلی (۱۳۹۵)^۱ با مطالعه تجربه گذشتگان در این محلات که عموماً دارای سرمایه اجتماعی مطلوبی بودند، سه نوع قلمرو فضایی را قابل تشخیص می‌داند، قلمرو خصوصی شامل خانه مسکونی به همراه حیاط و عناصر دربرگیرنده آن، قلمروی نیمه‌خصوصی شامل بن‌بست اختصاصی یا هشتی که به چند خانه راه داشته است و قلمروی عمومی که در قالب گذر و میدان وجود داشته است. وی با مطالعه محلات کنونی بیان می‌کند که قلمرو فضایی، به‌ویژه قلمروی نیمه‌خصوصی در طراحی شهری امروز نادیده گرفته شده است و طراحان عموماً به فضاهای عمومی و نحوه دسترسی به این فضاها با وسایل نقلیه پرداخته‌اند.

با بررسی بیشتر، مشاهده می‌شود که علاوه بر بی‌توجهی به قلمروی نیمه‌خصوصی، قلمروی خصوصی نیز نسبت به گذشته تغییرات بسیاری کرده است، به‌طوری‌که عموم مردم از این فضاها رضایت گذشته را ندارند. اینان در خانه شرایط مطلوبی از زندگی را تجربه نمی‌کنند و بعد از خروج از خانه هم از آن‌جایی که یکباره در موج آمد و شد فضای عمومی قرار می‌گیرند آشنایی و همبستگی‌شان با یکدیگر (به دلیل ارتباط ناگهانی فضای خصوصی با فضای عمومی) به حداقل ممکن رسیده است. لازم به ذکر است، ارتباط افراد در فضاهای مشترک مجتمع‌های مسکونی نیز که در حکم فضای نیمه‌خصوصی هستند، صرفاً محدود به مسائل مالی و نگهداری تأسیسات مجتمع می‌شود. بنابراین، مسئله اصلی این تحقیق، عدم توجه به طراحی مناسب قلمروهای محیط کالبدی به ویژه قلمروی خصوصی و نیمه‌خصوصی است که در کنار سایر معضلات اجتماعی، نظیر نداشتن زمان کافی برای با هم بودن انسان‌ها، بیش از حد سرگرم شدن با دنیای مجازی و رسانه، خودمحوری و از بین رفتن مفاهیمی چون همیاری و حمایت، منجر به کاهش رفتار و فعالیت‌های مشترک بین مردم شده و به عبارت دیگر تعاملات و کنش‌های متقابل مردم را که تولیدکننده سرمایه اجتماعی است، به حداقل ممکن رسانده است.

کاهش سرمایه اجتماعی، معضلاتی را در سطوح مختلف به وجود آورده است (جدول ۱) که از آن جمله می‌توان به عدم

۱. محمود توسلی (۱۳۹۴) در کتاب «اصول و روش‌های طراحی شهری و فضای مسکونی در ایران» اصل قلمرو، هم‌پیوندی، محوریت فضا، مقیاس و تناسب، تبیین و ترکیب را اصول ساماندهی محیط برمی‌شمارد.

سلامت ذهنی و فیزیکی، عدم امنیت روانی و کاهش امید به زندگی در سطح فردی اشاره کرد و پیشرفت این مسائل باعث کاهش تعلق به فضا، از بین رفتن رضایت زندگی و در نهایت از بین رفتن انسجام اجتماعی می‌شود. در سطح جمعی هم، کاهش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش جرم‌خیزی، بزهکاری و کاهش امنیت می‌شود و در درازمدت کاهش مشارکت اجتماعی و کاهش توسعه پایدار اجتماعی را در پی خواهد داشت^۱ (محمد سالورزی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به اهمیت و ضرورت آنچه گفته شد، نگارنده در این تحقیق به بررسی ارتباط نقش قلمروهای سه‌گانه فضایی در تقویت سرمایه اجتماعی می‌پردازد.

جدول ۱. نتایج سرمایه اجتماعی (نگارندگان)

سطح فردی				سطح جمعی (محله)			
سلامت فیزیکی	امنیت روانی	خسالت	آبادی	کاهش مشکلات	کاهش	کاهش	کاهش
نتایج ثانویه							
رضایت از زندگی				مشارکت اجتماعی			
تعلق به مکان				توسعه پایدار اجتماعی			

در پیشینه‌شناسی مطالعات صورت‌گرفته در زمینه همبستگی سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی، اغلب تحت عناوینی چون اجتماع‌پذیری و بُعد اجتماعی فضا با تدابیر مختلف انجام شده‌اند که در این تحقیق در دو بخش نظریات پیشگام و مقالات مرتبط با این نظریات مورد بررسی قرار گرفتند. برای اولین بار کلارنس پری (۱۹۲۷) بر ضرورت توسعه شبکه اجتماعی دوستان و اقوام در یک قلمرو محلی مشترک و تقویت روابط و پیوندهای قوی در سطح محله تأکید کرد. به این منظور، وی طراحی مناطق مسکونی با خانه‌های تک خانواری، تقلیل فاصله کاربری‌های مختلف و خانوارهای ساکن را با فراهم کردن امکانات خدماتی در محله پیشنهاد داد. در سال‌های بعد لوکوربوزیه (۱۹۵۳) علاوه بر توجه به زندگی در اجتماع محلی به دو اصل برابری اجتماعی و کارکردگرایی جهت بهبود شرایط موجود اشاره نموده و با طراحی ساختمان‌های مسکونی مرتفع در یک محیط سبز وسیع، با تراکم زیاد

(مسکن انبوه) و تجهیز طبقات میانی و بام آن برای نیازمندی‌های مردم، سعی در نزدیک کردن اجتماعات مردمی به یکدیگر داشت. در همین راستا جین جیکوبز (۱۹۶۱) با اهمیت نهادن به پیوندهای ضعیف در روابط اجتماعی، تعامل میان فضاهای عمومی و ساختمان‌ها را مطرح کرد. وی مخالف تقسیم‌بندی عملکردی در مناطق بوده و بر اختلاط کاربری و فعالیت‌هایی که به ایجاد تنوع در خیابان‌های محله، فضاهای عمومی را سرزنده می‌کنند تأکید نمود. همچنین به خیابان‌ها، به‌عنوان فضایی با ابعاد اجتماعی مهم نگریست و نسبت به ترافیک سواره اظهار نگرانی کرد. در سال ۱۹۸۱، دونالد اپلیارد^۲ با تعریف مجدد خیابان به‌عنوان جایگاهی تسکین‌بخش و قابل زندگی، سخنان جیکوبز در رابطه با اهمیت خیابان را پژواک داد. یان گل^۳ در سال ۱۹۷۱، جهت تقویت زندگی شهری توجه بیشتری به کیفیات محیطی فضاهای عمومی کرده و به‌این ترتیب مردم را به حضور طولانی‌تر در این فضاها دعوت نمود. در سال‌های بعد، بیل هیلیر^۴ (۱۹۸۴) به الگوی رفتاری و فعالیت‌های اجتماعی انسان، نقش هر فضا با سایر فضاها در کل سیستم، از طریق پیکربندی فضا پرداخت و در نهایت تردید بنرجی^۵ در سال ۲۰۰۱ به بُعد اجتماعی فضا به معنای کنش متقابل اجتماعی و زندگی عمومی در مکان‌های عمومی یا خصوصی اشاره کرد، یعنی به عرصه عمومی اجتماعی فرهنگی مردم و فعالیت‌های آنان توجه توانمند داشت.

در راستای این نظریات پیشگام، مقالاتی نیز با رویکرد بهبود سرمایه اجتماعی محلات در شهرهای مختلف صورت گرفت که در ذیل این تحقیق، به آن‌ها پرداخته می‌شود، نکته قابل توجه در این مطالعات آن است که گاهی نتایج متناقض با معیارهای نظریه‌پردازان فوق حاصل شده، به این ترتیب به نظر می‌رسد که مطالعات مرتبط با سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی هنوز به نقطه‌ای قابل اتکا و دقیقی نرسیده و این مسئله به دلیل محوریت انسان و در نظر نگرفتن بعضی متغیرهای مستقل، همچنین متغیرهای مداخله‌گر زیاد موضوع است.

ایرفانی فیتربا امول موزیان^۶ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «ارتباط شکل شهری و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در کلان‌شهر اندونزی» به بررسی نقش آرایش فیزیکی شهر (شکل شهر) در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در کلان‌شهر

2. Donald Appleyard

3. Jan Gehl

4. Bill Hillier

5. Tridib Banerjee

6. Irfani Fithria Ummul Muzayanah

۱. محمد سالورزی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین و ارزیابی توسعه پایدار محله‌ای مطالعه موردی: شهر ایلام» به تفصیل به ارتباط مولفه‌های توسعه پایدار محلی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند.

اندونزی پرداخته‌است. وی در این تحقیق نتایج متفاوتی را برخلاف الگوهای جدید شهرسازی بیان می‌دارد. در الگوهای جدید شهرسازی، محلات با تراکم بالا و شبکه‌های خیابانی متصل به هم و یکپارچه باعث افزایش احتمال تعاملات تصادفی افراد می‌شوند، براساس این الگوهای جدید، افزایش احتمال تعاملات تصادفی می‌تواند افزایش سرمایه اجتماعی را در پی داشته باشد. علاوه بر آن در این الگوها آمده است که، اختلاط کاربری یعنی تراکم خرده‌فروشی و کاربری‌های تجاری در محلات نیز منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند.

ویم زرواتی^۱ (۲۰۲۰) در مقاله «بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای همسایگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا» مشابه نظریات موزیانا و همکاران (۲۰۲۰) را بیان می‌کند. وی معتقد است محلات با درجه نفوذپذیری پایین، احتمال شکل‌گیری فعالیت اجتماعی بیشتری را دارند (برخلاف الگوهای جدید شهرسازی) یعنی دسترسی محدودتر، منجر به فعالیت اجتماعی بیشتر می‌شود. علاوه بر این، شکل ساختمان‌های مسکونی بر مقادیر اتصال و یکپارچگی و در نتیجه بر روابط اجتماعی مؤثر است. براساس مطالعات وی، محدودترین و محصورترین فضاها که با ساختمان‌هایی به شکل «آل و یو» حاصل می‌شوند فعالیت‌های اجتماعی بیشتری را به‌وجود می‌آورند؛ چون فرم ناپیوسته، ساختار فضایی روشن و قلمرو محصور و محدودی در محله ایجاد می‌کند، لذا برای تقویت روابط اجتماعی قابلیت بیشتری دارد.

در مقیاسی کوچک‌تر از موزیانا و همکاران (۲۰۲۰)، مارلوس ام. هوگربروگ^۲ (۲۰۱۸) با مقاله «همسایگی مبتنی بر سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی، رتردام هلند» به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی محله‌محور و رضایت از زندگی ساکنان با در نظر گرفتن ناهمگونی ساکنین می‌پردازد. وی با مشاهده، یادداشت‌های میدانی، مکالمه و نظرسنجی‌های غیررسمی با ساکنان و طرح‌های گرافیکی نتایج خود را تبیین می‌کند. هوگربروگ (۲۰۱۸) معتقد است سرمایه اجتماعی برای فردی از محله بیشتر است که زمان بیشتری را در محله می‌گذرانند و وابستگی بیشتری به آن دارند. لذا به‌نظر می‌رسد، ساماندهی فعالیت‌های محله و تسهیل فرصت‌های ملاقات در مراکز اجتماع در فضاهای همسایگی محله، جهت افزایش

سرمایه اجتماعی ضروری است. از سویی، بخشی از ساکنان در فضاهای اشتراکی در همسایگی خود با یکدیگر به تعاملات اجتماعی می‌پردازند و در عین حال بخشی نیز این‌گونه نیستند. براساس نتایج مطالعات وی، فضای مشترک مرکزی مقابل یا در امتداد خانه‌ها که برای شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفته شده، لزوماً محل اجتماع‌پذیری افراد نیستند، هرچند که این فضای مشترک باز، جهت تعامل اجتماعی باید محدودیت دسترسی داشته باشد و نقاط ورودی آن مورد کنترل بوده و کاملاً با پارک‌های عمومی متمایز شود. در مقابل این فضاها، پیش‌ورودی جلوی خانه‌ها (قلمرو نیمه‌خصوصی) فضای مناسب‌تری برای فعالیت مشترک همسایه‌ها است. پیش از این نیز یان‌گل، پیش‌ورودی‌ها و حیاط‌های خصوصی را به‌عنوان لبه‌های نرم و تسهیل‌کننده پیوندهای عمومی و خصوصی مطرح کرده بود. یان‌گل بیان می‌کند در مقابل لبه‌های نرم، نماهای سخت و غیرفعال خانه‌ها که به پارکینگ و گاراژ اختصاص پیدا می‌کند بدون انتقال مناسب فضای عمومی به خصوصی در شکل‌گیری روابط، ضعیف عمل می‌کنند. نکته قابل‌توجه در ارتباط با پیش‌ورودی، فاصله تا معبر (قلمرو عمومی) است. از نظر هوگربروگ (۲۰۱۸) این فاصله از سویی باید به اندازه‌ای زیاد باشد که از نفوذ پیاده‌های ناشناس به آن جلوگیری کند و از سوی دیگر به اندازه‌ای کم باشد که در صورت تمایل، امکان برقراری ارتباط آسان را فراهم کند، ضمن اینکه مرز قلمروی نیمه‌خصوصی و خصوصی نیز باید مشخص و روشن باشد.

در مقاله دیگری تحت عنوان «تأثیر اشکال شهری بر پایداری اجتماعی، نمونه موردی: گواهای، آسام»، شروتی همانی^۳ و همکاران (۲۰۱۶) به حد آستانه عوامل مؤثر فرمی بر پایداری محلات اشاره می‌کنند و اثبات می‌کنند که پس از آن حد آستانه، اثرات منفی می‌شوند. لازم به‌ذکر است که اندازه‌گیری چنین مقدار آستانه‌ای برای مؤلفه‌های شهری به دلیل وجود متغیرهای مداخله‌گر خارجی و اثر ترکیبی سایر مؤلفه‌های شکل شهری، همچنین طبیعت پویای جامعه دشوار بوده، لذا چارچوبی از ترکیب سیاست‌های اجتماعی بالا به پایین و طرح‌های اجتماعی هم‌افزایی (اقدامات پایین به بالا)، جهت رشد سرمایه اجتماعی و محلات پررونق‌تر پیشنهاد می‌شود. در یک فرآیند مقایسه‌ای، لیزا میشل بوت^۴ (۲۰۱۸) با مقاله

دسترسی و الگوی ساختمان، چینش فضایی، نفوذپذیری، تراکم و دانه‌بندی بر سرمایه اجتماعی به صورت کیفی پرداخته‌است. وی، محلات را براساس طبقه‌بندی بافت ارگانیک، نیمه‌ارگانیک و منظم بررسی کرده است و بیشترین حد سرمایه اجتماعی در میان محلات با ویژگی‌های همساز با ماهیت نیمه ارگانیک تبیین می‌کند. همچنین با مقایسه همبستگی شاخص‌های مختلف کالبدی و سرمایه اجتماعی، عوامل مرتبط با نفوذپذیری و کاربری را در شکل‌دهی سرمایه اجتماعی واجد بیشترین اهمیت برمی‌شمرد.

مطالعه دیگر مرتبط با پیشینه موضوع، تحقیق محمد سلطان‌زاده (۱۳۹۶) تحت عنوان «مفهوم سرمایه اجتماعی در معماری مجتمع‌های مسکونی جوامع اسلامی» است که به بررسی رابطه میان محیط کالبدی به‌ویژه فضای باز عمومی همسایگی با سرمایه اجتماعی پرداخته‌است. او به دنبال یافتن مولفه‌ها و شاخصه‌هایی از فضای عمومی و باز جهت افزایش سرمایه اجتماعی بوده، اما براساس تحقیقات به‌دست آمده رابطه میان سرمایه اجتماعی با این فضاها در کالبد محله‌ها کمتر از انتظار بوده‌است؛ وی یکی از دلایل عمده نبود بازتاب هم‌وزن ناشی از تغییر در محیط کالبدی در زندگی اجتماعی و الگوی رفتاری را دغدغه‌های معیشتی ساکنین دانسته و در نهایت به معرفی برخی شاخصه‌های کالبدی که رابطه قوی‌تری با سرمایه اجتماعی دارند می‌پردازد.

نتایج تحقیقات بیان شده در ارتباط با همبستگی سرمایه اجتماعی و کالبد معماری را می‌توان به این صورت طبقه‌بندی کرد:

- تراکم بالای جمعیت و درجه اتصال بالای خیابان‌ها، احتمال برخورد تصادفی افراد و تعامل چهره به چهره را بیشتر می‌کند، این نوع تعامل سطح اعتماد را تحریک و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.
- نفوذپذیری بالای محله، منجر به کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود، از طرفی ساختمان‌های به شکل محصور به دلیل محدودیت ایجاد نموده در محیط، در افزایش سرمایه اجتماعی موثر هستند.
- اختلاط کاربری، از تشکیل سرمایه اجتماعی پشتیبانی نمی‌کند.
- محلات با تراکم خرده فروشی و کاربری تجاری، منجر به تقویت تعاملات اجتماعی می‌شود.

«محلات تطبیقی: رابطه متقابل شکل شهری، سرمایه اجتماعی و پاسخ به خطرات ساحلی در جاکارتا» به بررسی اثرگذاری ساختار ساختمان‌ها، تراکم جمعیت و محل استقرار فضاهای عمومی و مکان‌های ملاقات بر سطح سرمایه اجتماعی در دو محله قدیمی و جدید می‌پردازد. براساس مطالعات او، مکان‌های ملاقات مختلف به دلیل موقعیت، تعداد و عملکرد آن‌ها اشکال مختلفی از سرمایه اجتماعی را در خود پرورش می‌دهند، به طوری که مکان‌های غیررسمی نظیر فضای مقابل خانه‌ها در طبقه همکف بیشترین آمار کاربر را دارند و فرصت‌های مکانی رفتاری بیشتری را به‌وجود می‌آورند. شبکه‌های به وجود آمده در این مکان‌ها، اکثراً درون‌گرا بوده و نزدیکی اجتماعی و احساس تعلق خاطر برای استفاده مکرر و مشترک از آن‌ها بسیار مهم هستند، در مقابل مکان‌های غیررسمی، فضای آزاد عمومی طراحی شده معمولاً از طرف ساکنان محلی پذیرفته شده نیست (پارک و نیمکت‌های منظم هندسی).

در آخرین تحقیق مورد بررسی خارجی، جاتونگ وون^۱ (۲۰۲۰) در مقاله «تأثیر محیط‌های مسکونی بر سرمایه اجتماعی و نتایج بهداشتی در بین ساکنان مسکن اجاره‌ای عمومی در سئول، کره جنوبی» به بررسی ارتباط چندین حوزه از محیط‌های مسکونی با متغیرهای سرمایه اجتماعی و سلامت پرداخته است. وی، مؤلفه عزت‌نفس و تعلق به مکان را در سوالات عمومی پرسشنامه جهت ارتباط‌دهی ویژگی‌های فردی افراد با سرمایه اجتماعی اضافه کرده است و به نتایج جدیدی در این ارتباط رسیده است. براساس تحلیل‌های آماری صورت گرفته محیط‌های مسکونی با تأمین نیازهای روزمره (به‌طور مثال، خانه با تأمین آب و برق، تجهیزات و فضای بدون مانع، امنیت، امکانات خارجی برای معلولان، ایستگاه حمل و نقل عمومی و مواد غذایی کافی) برای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهداشت مهم هستند؛ در حالیکه دسترسی به امکانات رفاهی برای نیازهای تفریحی مثل فضای سبز تفریحی و امکانات فرهنگی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهداشت قابل‌توجه نیست.

از مطالعات داخلی در این زمینه، می‌توان به تحقیق فاطمه شکیبایی‌بیدرونی (۱۳۹۶) در قالب «ارزیابی اثرات متقابل ساختار کالبدی فرم محله‌های شهری بر حضورپذیری و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی (مورد مطالعاتی قزوین)» اشاره کرد که به بررسی شاخصه فرم‌های شهری مثل کاربری،

- هریک از عوامل مؤثر فرمی در رابطه با سطح سرمایه اجتماعی، حد آستانه دارند و بیشتر از آن نتیجه را معکوس می‌کند.

- ویژگی‌های کیفی و زیباشناختی به جای کمیت و کاربری مختلط، می‌توانند در افزایش تعاملات مؤثر باشند.

در این تحقیق، مبانی نظری در دو بخش سرمایه اجتماعی و ساماندهی کالبدی محله تبیین می‌شود. با مرور ادبیات موضوع مشخص می‌شود که سرمایه اجتماعی مفهوم جدیدی نیست بلکه در نخستین مباحث جامعه شناسی از زمان دورکیم و قبل از آن وجود داشته است و در چند سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع بالقوه یا بالفعل است که در بستر روابط گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آید و بهبود زندگی و افزایش رضایت‌مندی شهروندی را به همراه دارد» (پورجعفر و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۰). سرمایه اجتماعی مفهومی چند بُعدی است (جدول ۲) و جمع‌بندی کلی منابع و متون به سه بُعد تعامل متقابل، اعتماد و مشارکت فعال در قالب گروه‌های اجتماعی در ارتباط با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اشاره دارند (شکل ۱). با توجه به مقیاس تحقیق، منظور از تعامل متقابل روابط اجتماعی غیررسمی در سطح محله (قرائی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱)، نظیر حمایت و همیاری در بین ساکنین است. علاوه بر این روابط اجتماعی غیررسمی، روابطی نیز در قالب گروه‌های اجتماعی در محله وجود دارد. گروه اجتماعی شامل «عده‌ای از افراد محله است که در سه شاخصه فعالیت مشترک، احساس تعلق‌خاطر (یا احساس ما) و وجه اشتراک مهم مثل هدف مشترک، دشمن مشترک و غیره مشترکند» (رفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱۰۹). فرامرز رفیع‌پور (۱۳۹۵) یکی از راه‌های اصلی ضعیف نمودن گروه‌های اجتماعی در جامعه را ایجاد برنامه‌های کاذب و پراکنده برای کاهش فعالیت‌های مشترک مهم مطرح می‌کند. به عبارت دیگر وی معتقد است اقدامات مستقیم برعلیه گروه اجتماعی نه تنها موجب تضعیف گروه نمی‌شود، بلکه با به وجود آوردن یک دشمن مشترک که وجه اشتراکی مهم برای اعضای گروه است، موجب وحدت و انسجام بیشتر گروه می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر در این بخش توجه به مؤلفه تعلق‌خاطر به عنوان یکی از

عوامل تأثیرگذار ثانویه در سطح سرمایه اجتماعی است که از طریق عضویت در گروه اجتماعی به وجود می‌آید و نه به عنوان مؤلفه کلیدی اولیه که توسط برخی متخصصان در جدول ۲ مطرح شده است. نگارنده، این مؤلفه را در پرسش‌های عمومی مورد سنجش پرسشنامه قرار می‌دهد (شکل ۱).

جدول ۲. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

محقق	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
پالمر و پرکینز ^۲ ، ۲۰۱۱ (به نقل از سلطان‌زاده، ۱۳۹۶)	تعلق به مکان، رضایت از محله، رضایت از زندگی، تعامل با همسایگان، همسایه‌داری، اعتماد، حمایت و همستگی
دندر و همکاران ^۳ ، ۲۰۱۲ (همان، ۱۳۹۶)	تعلق به مکان، مشارکت مدنی، پیوندهای اجتماعی
کابریما ^۴ ، ۲۰۱۳ (همان، ۱۳۹۶)	تعامل اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، اعتماد، شناخت همسایگان، علاقه به محل زندگی
فلسیو و همکاران ^۵ ، ۲۰۱۴	تعهد و اعتماد دوجانبه، احساس مالکیت، ارزش مشترک، دادوستد اجتماعی، شبکه اجتماعی
ترنت ای انگبرس و همکاران ^۶ ، ۲۰۱۶	اعتماد، عضویت و مشارکت رسمی، نوع دوستی و تعامل سیاسی، تعامل غیر رسمی، هنجارهای مشترک
تریستان کلاریج ^۷ ، ۲۰۱۸	روابط، اعتماد و امانت‌داری، هنجارها، تعهدات و انتظارات، پیوندها و پیکربندی شبکه
فلورا پوکه و کریستین استراوس ^۸ ، ۲۰۲۰	زبان مشترک، چشم انداز مشترک، هویت، هنجار متقابل، اعتماد کردن، روابط متقابل اجتماعی
خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸ (همان، ۱۳۹۶)	شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی، پیوندهای همسایگی، اعتماد
ربانی و همکاران، ۱۳۸۸ (همان، ۱۳۹۶)	پیوندهای همسایگی، اعتماد، مشارکت، کنترل، حس تعلق
رضازاده و همکاران، ۱۳۹۲ (همان، ۱۳۹۶)	مشارکت، اعتماد، انسجام اجتماعی، حس تعلق محلی
رستگار و همکاران، ۱۳۹۷ (به نقل از فدایی تهرانی و	رابطه اجتماعی، شبکه اجتماعی، اعتماد، هنجار مشترک، احساس تعلق

2. Palmer & perkins

3. Donder et al.

4. Cabrema

5. Felicio et al.

6. Trent A. Engbers et al.

7. Tristan Claridge

8. Flora Poecze and Christine Straus

۱. این مؤلفه در تحقیقات گاه به صورت دو مؤلفه جداگانه مطرح می‌شود مثلاً آزاده قرائی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین ارتباط میان فرم شهر و پایداری اجتماعی، نمونه موردی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران» با تاکید بر روابط غیررسمی اجتماعی آن را از مؤلفه مشارکت اجتماعی تمیز داده است.

محققان در ارتباط با پارامترهای کالبدی محلات نظریات متعددی دارند که در جدول ۳ به آن‌ها اشاره شده است. با مقایسه پارامترهای کالبدی ذیل با مؤلفه‌های تحقیقات مرتبط با سرمایه اجتماعی و کالبد محله مشاهده می‌شود اکثر پارامترهای این جدول توسط محققان بررسی شده است.

جدول ۳. مؤلفه‌های کالبدی محیط

محقق	پارامترهای کالبدی محیطی
کرین ^۱	تراکم جمعیت، موقعیت مکانی و اشغال، کاربری اراضی مختلط، پیکربندی خیابان‌های محلی
استد و مارشال ^۲	فاصله مناطق مسکونی از مرکز محله، اندازه منطقه سکونت، کاربری مختلط، تامین امکانات محلی، تراکم توسعه، نزدیکی به شبکه حمل و نقل، دسترسی به پارکینگ مسکونی، شبکه خیابان‌ها، نوع همسایگی‌ها
ویلر ^۳	الگوی خیابان
رجمانی و همکاران ^۴	نوع کاربری و اختلاط کاربری، دسترسی، تراکم مسکونی، شبکه خیابانی
سانگ و ناپ ^۵	فشردگی، مرکزیت، پیچیدگی، تخلخل، تراکم
سای ^۶	تنوع، تراکم، الگوی ساختار مکانی
فرانک و همکاران ^۷	کاربری مختلط، تراکم مسکونی، همپوندی و اتصال خیابان‌ها
یانگ ^۸	تراکم مسکن و محله و بلوک‌ها، کاربری مختلط اراضی، اختلاط انواع مسکن و شبکه‌های خیابانی
جونز و همکاران ^۹	شبکه خیابان، کاربری اراضی، طرح بلوک خیابان، توزیع فضای پارک، عناصر فرم خانه‌ها و مجتمع‌ها
هنکی و مارشال ^{۱۰}	جمعیت، مساحت، تراکم خطی جمعیت
تالن ^{۱۱}	دسترسی، اتصال، تنوع، گره‌گرایی
لیو و همکاران ^{۱۲}	نسبت فرم، نسبت تراکم، نسبت طول، تراکم جمعیت

1. Crane
2. Stead & Marshall
3. Wheeler
4. Rajamani et al.
5. Song & Knoap
6. Tsai
7. Frank et al.
8. Yang
9. Jones et al.
10. Hanky & Marshall
11. Talen
12. Liu et al.

همکاران، ۱۳۹۹)

کریمی و همکاران، روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی، اعتماد، همیاری و همکاری ۱۳۹۸

قربانی و همکاران، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد ۱۳۹۹ (همان، ۱۳۹۹) متقابل

همان‌طور که از جدول ۲ برمی‌آید عامل کلیدی در سرمایه اجتماعی «رابطه» است و هر چه رابطه عمق و غنای بیشتری داشته باشد سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر می‌شود. فرگاس (۱۳۹۹) در کتاب «روانشناسی تعامل اجتماعی» به مسئله عزت‌نفس در رشد روابط اشاره می‌کند و با استناد به تحقیق والستر (۱۹۶۵) یکی از مهم‌ترین منابع ارزیابی مثبت انسان از خود را، دوست داشته شدن از سوی دیگران عنوان می‌کند و معتقد است «انسان در دوره‌های عزت‌نفس پایین به روابط مثبت با دیگران ارج و ارزش خاصی می‌نهد، یعنی سطح عزت‌نفس در رابطه مؤثر است و وقتی انسان احساس افسردگی و عدم امنیت می‌کند، چون طرد شدن برایش فوق‌العاده رنج‌آور است پس استراتژی عاقلانه این است که طوری با افراد دیگر رفتار کند که واکنش مثبتی از آن‌ها دریافت کند. به عبارت دیگر وقتی عزت‌نفس پایین باشد دوست داشته شدن حائز بیشترین ارزش است و انسان ارتباطات خود را عموماً با در نظر گرفتن این نکته انتخاب می‌کند» (فرگاس، ۱۳۹۹: ۲۸۶-۲۸۵). در این تحقیق علاوه بر سه مؤلفه‌ای که در بالا به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی سنجش سرمایه اجتماعی مطرح شد، عزت‌نفس به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی افراد که در شکل‌گیری روابط مؤثر است و می‌تواند در سطح سرمایه اجتماعی تأثیرگذار باشد در بخش پرسش‌های عمومی مورد سنجش قرار می‌گیرد (شکل ۱). این مؤلفه با سوال «احساس می‌کنید چیزهای زیادی برای افتخار کردن دارید» مورد پرسش قرار می‌گیرد.

مؤلفه‌های کالبدی و الگوی شکلی محله

محله مفهوم ثابت و ایستایی در مباحث شهرشناسی، جغرافیایی و سایر علوم در گذشته نداشته است و در زمان حاضر نیز پیرامون آن مباحث فراوانی وجود دارد. عبداللهی (۱۳۸۹) با توجه به مباحث مطرح شده شهری، محله را این‌گونه تعریف می‌کند: «محدوده یکپارچه فضایی از شهر با مرزهای کالبدی، بنا بر درک ذهنی و یا نشانه عینی برای ساکنانی که تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی در آن احساس کنند». تقسیم‌بندی شکلی این محلات غالباً براساس فرم مسیرهای دسترسی در قالب سه‌گونه ارگانیک، نیمه ارگانیک و منظم صورت می‌پذیرد.

توجه به طبقه‌بندی فوق، الگویی از محله جست و جو شده است که در تحقیقات مرتبط با سرمایه اجتماعی کمتر بررسی شده باشد.

با توجه به آنچه در پیشینه تحقیق گفته شد مشخص می‌شود، با وجود اینکه مطالعات پیشین تأثیر قابل‌توجهی در تبیین چگونگی رابطه دوسویه فضای کالبدی و سرمایه اجتماعی داشته‌اند، هنوز خلاء تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد که باید به آن پرداخته شود. از یک‌سو تمامی مطالعات داخلی که تاکنون انجام شده، بر روی جمعیتی بوده که در محله‌های ارگانیک، نیمه ارگانیک و منظم شهر زندگی می‌کنند، در این مطالعات هنوز تحقیق جامعی با توجه به الگوی تقسیم‌بندی محلات بارتون صورت نگرفته‌است، به‌ویژه محلاتی که با الگوهای جدید شهرسازی ساخته شده‌اند و دارای قدمتی قابل‌توجه هستند؛ از سوی دیگر مطالعات پیشین، محیط کالبدی محله را بدون توجه به قلمروهای مکانی ارزیابی کرده‌اند یا در صورت توجه به قلمروها، صرفاً با در نظرگرفتن فضاهای عمومی و فضاهای همسایگی به تبیین ارتباط سرمایه اجتماعی با فضاهای کالبدی پرداخته‌اند^۲، در حالیکه محلات با سه قلمرو عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی شناخته می‌شوند و در هر قلمرو متغیرهای محیطی متفاوتی تأثیرگذار است. در این تحقیق با تفکیک قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی محله مورد مطالعه، به بررسی اثرگذاری شاخصه‌های هر قلمرو بر روی متغیر سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود (شکل ۱) و از این طریق عوامل کلیدی مرتبط با کالبد معماری در جهت تقویت سرمایه اجتماعی شناسایی می‌شوند، به عبارت دیگر سوال اصلی این تحقیق نحوه تأثیرگذاری کالبد معماری بر سرمایه اجتماعی ساکنان محلات با تأکید بر قلمروهای کالبدی معماری و براساس الگوی شکلی بارتون است.

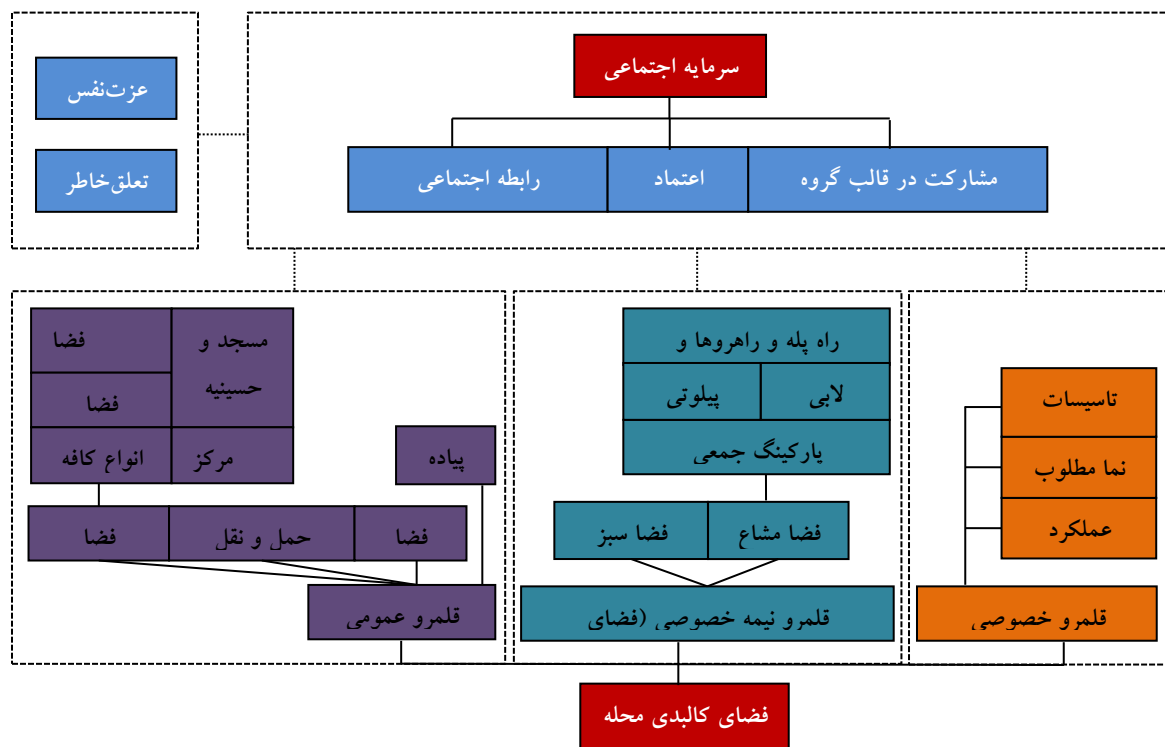
برخلاف دسته‌بندی شکلی محلات که به آن اشاره شد و محور الگودهی آن مسیرهای دسترسی می‌باشد، بارتون^۱ در سال ۲۰۰۳ محله را به مثابه مجموعه‌ای در نظر می‌گیرد که عناصر آن واحدهای همسایگی هستند و نحوه استقرار و مرزبندی این واحدها در تعیین موقعیت استقرار خدمات و مرکز محله مؤثر است، وی براین اساس شکل محله را در الگوهای سه گانه زیر طبقه‌بندی می‌کند:

- الگوی هم‌پیوند با هم‌پوشی مرزهای واحدهای همسایگی؛
-
- الگوی سلولی با استقرار پراکنده و غیرمتمرکز واحدهای همسایگی؛
-
- الگوی خطی با استقرار طولی واحدهای همسایگی در امتداد محوری اصلی در حکم استخوان‌بندی اصلی محله؛
-

بارتون (۲۰۰۳) باور دارد دید واضح و مشخص از شکل و کارکرد محله، شرط لازم برای برنامه‌ریزی، توسعه مؤثر و کارآمد به منظور ارتقا کیفیت، عدالت و پایداری محله است. وی بیان می‌کند محلات متشکل از واحدهای همسایگی، واحدهای جداگانه و پراکنده نیستند، بلکه قسمت‌های به هم پیوسته‌ای از بافت شهری هستند؛ بین سکونتگاه‌های جدید و قدیمی تمایز وجود دارد و در بسیاری از زمینه‌ها کیفیت فضایی و کارایی الگوهای سنتی از مدل‌های اخیر بهتر است. مهم‌ترین عامل کلیدی و علت تغییرات محله از نظر بارتون (۲۰۰۳) «میزان جدایی‌گزینی یا یکپارچگی و به هم پیوستگی واحدهای همسایگی است» (Barton, 2003: 18). در این تحقیق با

۲. پریسا هاشم‌پور (۱۳۹۷) در مقاله «نقش کالبدی مجتمع‌های مسکونی در حیات‌پذیری اجتماعی، مطالعه موردی: مجتمع مسکونی امام ره چمران و آسمان تبریز» سرمایه اجتماعی را در دو مولفه مشارکت و تعاملات اجتماعی در بستر فضای همسایگی و فضای عمومی مجتمع‌های مسکونی تبریز بررسی کرده است.

۱. کتاب «شکل‌دهی به محلات: راهنمای سلامتی پایداری و نشاط» که در سال ۲۰۰۳ توسط بارتون و همکاران نگاشته شد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

داده و روش کار

تحقیق حاضر به روش مطالعه موردی صورت گرفته است. مطالعه موردی جست‌وجویی تجربی است که پدیده‌ای معاصر را در متن زندگی مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌عنوان یکی از استراتژی‌های تحقیق در مطالعات مرتبط با علوم اجتماعی به کار برده می‌شود. بخش نظری این تحقیق به توصیف و تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق اختصاص یافته است. در ادامه، با مطالعات اسنادی و برداشت‌های میدانی محله منتخب برگزیده می‌شود، در بخش تحلیل، گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه صورت می‌گیرد. روایی و پایایی پرسشنامه به روش دلفی و آلفای کرونباخ تأیید شده و در نهایت به روش کمی با استفاده از نرم افزار SPSS به بررسی صحت فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود که در ذیل این بخش به تفسیر بیان شده است.

مرور روش تحقیق‌های پیشین در حوزه محیط رفتار نشان می‌دهد که در انتخاب محلات نمونه مناسب‌تر است که وضعیت اجتماعی ساکنین به یکدیگر نزدیک بوده اما محیط کالبدی آن‌ها متفاوت باشد. در یک تحقیق مروری، عدم توجه به یکسان بودن شرایط اجتماعی اقتصادی ساکنین یکی از نقاط ضعف کار دانسته شده است، به این ترتیب با ارجاع به تحقیقات گذشته در این زمینه بیان می‌شود «در انتخاب محلات نمونه،

مناسب‌تر است ساکنین از نظر اجتماعی اقتصادی در سطح میانی جامعه قرار داشته باشند» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۲). با توجه به اینکه این تحقیق به دنبال محله‌ای با سطح سرمایه اجتماعی مطلوب است تا تأثیر قلمروهای کالبدی را بر آن ارزیابی کند، در انتخاب محله منتخب به این شیوه عمل شده است. در ابتدا به نتایج تحقیقات میزان سرمایه اجتماعی محلات تهران که با مدیریت سوسن باستانی (۱۳۹۴)^۱ در دانشگاه الزهرا (س) در دهه اخیر صورت گرفته است استناد شده و این تحقیقات نشان می‌دهد، محلات با شرایط اجتماعی فرهنگی میانه و حتی در مواردی با شرایط اجتماعی فرهنگی بالا، سرمایه اجتماعی مطلوب‌تری دارند. در ادامه، جهت انتخاب محله‌های منتخب، از شاخصه‌های برگزیده و مرتبط با سطح سرمایه اجتماعی در تحقیق خوشه‌بندی فرهنگی اجتماعی محلات تهران (۱۳۹۷)^۲ و بکارگیری چهار شاخص اجتماع محلی، شبکه روابط همسایگی،

۱. این تحقیقات به سرپرستی سوسن باستانی در دهه اخیر توسط زینب حسن پور درودگر (۱۳۹۰) و نازنین میرزا بیگی (۱۳۸۹) انجام شده و در کتاب «زن و زندگی شهری» منتشر شده است.

۲. این تحقیق با حمایت مالی مرکز مطالعات شهر تهران توسط موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران صلاح الدین قادری استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران در سیزده شاخصه انجام شده است.

- نما و تاسیسات بلوک‌های فاز (۱) نسبت به فاز (۲) در شرایط مطلوب‌تری بوده، لذا این بلوک‌ها اقبال بیشتری برای سکونت دارند.
- پیلوت بلوک‌ها به عنوان قلمرو نیمه خصوصی عموماً فضای کم نور و سردی است که صرفاً برای جداسازی بلوک‌ها از زمین در نظر گرفته شده، هرچند در محل اتصال با فضای عمومی، سایه روشن‌هایی با توجه به گردش خورشید در آن‌ها به وجود می‌آید (شکل ۳ و ۴).



شکل ۳. سایه روشن فضاهای قلمرو نیمه خصوصی (پیلوت)



شکل ۴. دید از بیرون به فضاهای قلمرو نیمه خصوصی

تعلق محلی و مشارکت محلات تهران در نظر گرفته شده است. در نهایت از آنجایی که قلمروهای سه‌گانه فضایی نیز در این تحقیق مدنظر قرار داشته از بین شاخص‌هایی همچون وجود قلمرو عمومی نسبتاً برابر با قلمروی خصوصی در محله، طراحی قابل‌توجه قلمروی عمومی، تنوع ساماندهی قلمروی خصوصی، طراحی داخلی متنوع در قلمروی خصوصی استفاده شده است. بدین ترتیب معیارها و شاخص‌های انتخاب محله در جدول ۴ آمده است. با توجه به این موارد، شهرک اکباتان تهران به عنوان محله منتخب در این تحقیق برگزیده شده است.

شهرک اکباتان یک شهرک مسکونی مستقل با الگوی خطی می‌باشد که در غرب تهران و ناحیه ۶، منطقه ۵ شهرداری قرار گرفته است. این شهرک حدود ۵/۹۴ کیلومتر مربع وسعت و ۵۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در سه فاز با توجه به الگوهای جدید شهرسازی ساخته شده است. فاز (۲) شهرک نسبت به فاز (۱) جدیدتر بوده و طراحی متفاوتی دارد، از جمله ویژگی فازها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نحوه چیدمان بلوک‌های فاز (۱ و ۳) نسبت به فاز (۲) منظم‌تر بوده و فضای سبز میانی آنها از خوانایی بیشتری برخوردار است. از سویی چیدمان و شکل خاص بلوک‌ها در فاز (۲)، فضاهای دنج و متنوع‌تری را در بین بلوک‌ها در قلمرو نیمه خصوصی و عمومی ایجاد کرده، حتی مسیرهای پیاده طراحی شده مابین فضاهای سبز در بسیاری از موارد منحنی‌وار بوده، به طوری که دید روشنی نسبت به انتهای آن وجود ندارد، در واقع به نظر می‌رسد طراحی این فضاها در فاز (۲) طبق اصول متفاوتی از فاز (۱ و ۳) صورت گرفته، مثلاً تقارنی که در فضاهای عمومی فاز ۱ و ۳ وجود دارد در فاز (۲) بسیار کمتر مشاهده می‌شود.



شکل ۲. سمت راست: مسیرهای منحنی‌وار در فاز (۲)

سمت چپ: مسیرهای راست و مستقیم در فاز (۱)

مسیر پیاده در فاز (۱) با حاشیه تجاری و دست‌فروش‌های محلی دیده می‌شود (شکل ۵).

– مسیر پیاده شمالی جنوبی در فاز (۱) که در محور میانی بلوک‌ها قرار گرفته به واسطه حاشیه سبز و تجهیزات ورزشی موجود کیفیتی متفاوت از نوع مشابه خود در فاز (۳) دارد، همین



شکل ۵. سمت راست: مسیر پیاده با حاشیه پیرامونی سبز و تجهیزات ورزشی در فاز (۲)
سمت چپ: مسیر پیاده همراه با کاربری تجاری و دست‌فروش در فاز (۱)



شکل ۶. تصویر هوایی اکباتان و موقعیت فازهای سه‌گانه

در ادامه تحقیق در بخش جمع‌آوری داده‌ها به منظور ارزیابی شاخص‌های تأثیرگذار کالبد معماری بر سرمایه اجتماعی بین فاز (۱) محله اکباتان با فاز (۲)، از روش پیمایشی استفاده شده است. براساس شاخص‌های به‌دست آمده در بخش

تفکیک مسیر سواره از پیاده و توجه به سلسله‌مراتب حرکتی همچنین تفکیک پارکینگ خودرو از فضاهای عمومی و سبز از ویژگی‌های مطلوب هر سه فاز است، هرچند در فاز (۲) علاوه بر مسیر پیاده و سواره، مسیر کندرو هم برای حرکت اتومبیل در نظر گرفته شده است.

– پلان بلوک‌ها در اکباتان گونه‌های متنوعی دارد، با توجه به مدارک موجود ۴۸ تپ پلان یک، دو و سه خوابه (ساده و دوبلکس) وجود دارد، ضمن اینکه واحدهای دوبلکس فقط در فاز (۲) قرار دارند (برادران، ۱۳۹۸).

با توجه به آنچه در مبانی نظری گفته شد این تحقیق لایه‌های سه‌گانه قلمروی کالبدی (قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی) فاز (۱) محله اکباتان را با فاز (۲) (شکل ۶) مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهد. در قلمرو خصوصی عملکرد مطلوب فضا، شرایط ظاهری مناسب و تجهیزات و تاسیسات کارا بررسی می‌شود، در قلمرو نیمه خصوصی فضاهای مشاع مثل لابی و ورودی، راه پله و آسانسور، پیلوت، فضاهای سبز کوچک و مجاور بلوک‌ها و پارکینگ‌های جمعی محلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در قلمرو عمومی پیاده‌راه‌ها، حمل و نقل عمومی، فضاهای سبز عمومی و بزرگ، مراکز آموزشی فرهنگی مذهبی، انواع کافه‌ها و پارکینگ‌های جمعی عمومی سنجش می‌شوند (شکل ۱).

نظری، پرسش‌نامه‌ای در سه بخش، برای جمع‌آوری داده‌های مرتبط با شاخص‌های جمعیتی، سرمایه اجتماعی و قلمروی کالبدی در قالب ۴۷ سوال بسته و دو سوال باز تدوین شده و تحلیل محله منتخب با پردازش داده‌های مستخرج از پرسشنامه در مدل کمی و با نرم‌افزار Spss انجام شده است. سوالات پرسشنامه برای متغیر سرمایه اجتماعی با ۱۴ گویه، رضایت از قلمروی خصوصی با ۳ گویه، حضور در قلمروی نیمه‌خصوصی با ۵ گویه، حضور در قلمروی عمومی با ۵ گویه، حضور در قلمروی عمومی خدماتی (مکان‌هایی مانند انواع کافه، مرکز فرهنگی، مرکز خرید، باشگاه، مسجد، مدرسه) به واسطه انجام فعالیت مشترک مهم با ۶ گویه و در نهایت حضورپذیری ساکنین در مکان براساس کیفیات فضایی با ۱۴ گویه تنظیم شده است. جواب سوالات پرسشنامه براساس طیف لیکرت تنظیم و جهت بررسی روایی سوالات به روش دلفی، گویه‌ها در اختیار خبرگان و استادان این حوزه قرار گرفته تا نظر خود را در ارتباط با تناسب گویه‌ها و فرضیه‌های تحقیق بیان کنند.

در این تحقیق نمونه‌گیری به صورت تصادفی منظم بوده است، به‌گونه‌ای که در هر فاز تعدادی بلوک به‌طور تصادفی انتخاب و نمونه‌ها براساس یک طرح مشخص از داخل بلوک‌ها انتخاب شدند، با توجه به جامعه آماری اکباتان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۲ نفر برآورد شد که متناسب با جمعیت متفاوت فازهای مورد بررسی، ۲۰۴ نفر از فاز (۲) و ۱۷۴ نفر از فاز (۱) به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد پرسش قرار

گرفتند. برای تکمیل پرسشنامه تیم پرسش‌گر^۱ به مدیریت بلوک‌های شهرک مراجعه و با همکاری آن‌ها پرسشنامه‌ها را در اختیار ساکنین قرار داده و بعد از دو روز آن‌ها را جمع‌آوری کردند. ۲۰۰ پرس‌نامه به روش حضوری و ۱۸۲ عدد به صورت مجازی با ارسال لینک پرسشنامه آنلاین در زمستان ۱۳۹۹ تکمیل شدند. در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی حاصل از نرم‌افزار SPSS، بعد از کنار گذاشتن ۴ پرسشنامه مخدوش و بر اساس ۳۷۸ پرسشنامه انجام شد. برای اطمینان از پایداری پرسشنامه آزمون اولیه در فاز (۲) با ۴۵ پرسشنامه صورت گرفت، پرسشنامه در همه مؤلفه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ تایید شد. هرچقدر شاخص آلفای کرونباخ به عدد یک نزدیک‌تر باشد، همبستگی درونی بین سوالات بیشتر و در نتیجه پرسش‌ها همگن‌تر خواهد بود. میزان آلفای کرونباخ برای متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۷۸ و برای متغیر قلمرو خصوصی ۰/۷۱ به‌دست آمده است، لذا پرسشنامه از پایداری مطلوبی برخوردار است. در نهایت از آزمون مقایسه میانگین برای سنجش سطح سرمایه اجتماعی فازها و جهت بررسی معناداری میان متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده. همچنین به منظور دستیابی به نتایج نهایی در قالب تحلیل آماری با رگرسیون خطی به تبیین اثرات قلمرو کالبدی به عنوان متغیر مستقل بر سرمایه اجتماعی محله به-عنوان متغیر وابسته اقدام شده است.

جدول ۴. معیارها و شاخص‌های پژوهش و مراحل انتخاب محله منتخب

مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴
معیار	شرایط اجتماعی فرهنگی متوسط رو به بالا	محلاتی با قلمروی عمومی نسبتاً برابر قلمروی خصوصی و طراحی ویژه	محله‌ای با بیشترین قلمروی عمومی و متنوع‌ترین قلمروی خصوصی
ابزار	تحقیق اخیر موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران (۱۳۹۶)	نقشه گوگل مشاهده میدانی	مطالعه میدانی مطالعه کتابخانه‌ای
نتیجه	امام‌زاده قاسم، چیدر، اکباتان، علم و صنعت، فدک، گلبرگ، هفت‌حوض، باغ‌فیض، شهرک نفت، نیرو هوایی، لویزان، شیان، تهرانپارس، اختیاریه، امیرآباد، پونک، دهکده المپیک، جنت‌آباد جنوبی، جمالزاده، سازمان برنامه، بهجت‌آباد، مجدآباد	شهرک اکباتان، شهرک آپادانا، شهرک شهید فکوری	محله اکباتان (۴۸ تپ) یک و دو و سه خوابه- ساده و دوبلکس) شهرک آپادانا و شهید فکوری (دو و سه خوابه- ساده)

۱. تیم پرسشگر با مدیریت خانم مهندس زرنانی از اهالی اکباتان و سابقه سکونت نزدیک به ۴۰ سال، توزیع پرسش‌نامه‌ها را برعهده داشتند.

طراحی این فضاها قابل توجه باشد، هرچند تحقیقات گسترده‌تری در این زمینه لازم است.

جدول ۶. میزان رضایت از قلمرو خصوصی

	رضایت از قلمرو خصوصی فاز (۱)	رضایت از قلمرو خصوصی فاز (۲)	رضایت از قلمرو خصوصی کل
Valid	۱۷۴	۲۰۴	۳۷۸
Missing	۰	۰	۰
Mean	۳/۲۴	۳/۵۶	۳/۴۱

جدول ۷. میانگین حضور در قلمروهای سه‌گانه فضایی

	حضور در قلمرو عمومی	حضور در قلمرو عمومی و نیمه خصوصی	حضور در قلمرو خصوصی
Valid	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
Missing	۰	۰	۰
Mean	۲/۷۰	۲/۹۳	۲/۴۶

براساس فراوانی‌های جدول ۸، بیشترین حضور در قلمرو عمومی از نوع فضای باز، در فضاهای سبز و فضاهای بازی کودک و کمترین حضور در پیاده‌راه با حضور دست‌فروشان (در فاز ۳) می‌باشد، ضمن اینکه براساس جدول ۷، میانگین ملاقات ساکنین در فضاهای عمومی خدماتی نظیر باشگاه ورزشی، انواع کافه‌ها و مراکز فرهنگی نزدیک به قلمرو عمومی باز بوده است. نقطه اشتراک فضاهای عمومی خدماتی مثل باشگاه و کافه و غیره وجود فعالیت مشترک مهم در آنها است و ساکنین در سوالات باز پرسشنامه نیز خواستار توجه بیشتر به این نوع فضاها بودند. میانگین و انحراف استاندارد حضور ساکنین در فضاهای با فعالیت مشترک مهم در جدول ۹ آمده است که نشان‌دهنده اقبال بیشتر ساکنین به باشگاه ورزشی و انواع کافه‌ها است.

جدول ۸. میانگین حضور در فضاهای مختلف از قلمرو عمومی

	پیاده‌راه با دست فروش (در فاز ۱)	پیاده‌راه با حاشیه پیرامونی سبز (در فاز ۲)	وسایل بازی کودک	فضای سبز
Valid	۳۷۴	۳۵۲	۳۷۸	۳۷۷
Missing	۴	۲۶	۰	۱
Mean	۲/۵۹	۲/۸۶	۳/۳۶	۳/۲۷

در جدول ۱۰ فراوانی حضور ساکنین براساس کیفیات

شرح و تفسیر نتایج

در راستای سنجش تأثیرگذاری قلمروهای سه‌گانه بر سرمایه اجتماعی به روش پیمایش آمارگیری براساس ۳۷۸ پرسشنامه صورت گرفت و با توجه به ترتیبی بودن مقیاس سنجش، میانگین پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در فازهای مورد بررسی، به عنوان امتیاز آن فاز ملاک عمل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از این پیمایش به صورت آمار توصیفی و استنباطی در پنج بخش قابل توجه است. بدین ترتیب سنجش سطح سرمایه اجتماعی، میزان تعلق‌خاطر و عزت‌نفس ساکنین، همچنین رضایت از قلمرو خصوصی به تفکیک فازهای مورد بررسی؛ آزمون همبستگی سرمایه اجتماعی با رضایت از قلمرو خصوصی، تعلق‌خاطر و عزت‌نفس؛ مدل پیشنهادی رگرسیونی برای متغیر سرمایه اجتماعی و رضایت از قلمرو خصوصی؛ سنجش میانگین حضور ساکنین در قلمروهای فضایی عمومی و نیمه خصوصی، فضاهای متعلق به هر قلمرو و کیفیات آنها صورت می‌پذیرد. اطلاعات توصیفی حاصل از پیاده‌سازی داده‌های پیمایش در ارتباط با متغیر سرمایه اجتماعی به تفکیک فازها در جدول ۵ نمایش داده است که به ترتیب نشان‌دهنده سطح سرمایه اجتماعی متوسط و متوسط رو به ضعیف در فاز (۲) و (۱) می‌باشد، با مقایسه میانگین‌های به‌دست آمده مشخص می‌شود سطح سرمایه اجتماعی در فاز (۱) کمتر از فاز (۲) است.

جدول ۵. سطح سرمایه اجتماعی

	سرمایه اجتماعی فاز (۱)	سرمایه اجتماعی فاز (۲)	سرمایه اجتماعی کل
Valid	۱۷۴	۲۰۴	۳۷۸
Missing	۰	۰	۰
Mean	۲/۸۲	۳/۱۳	۲/۹۹

اطلاعات توصیفی در جداول ۶ و ۷ نشان‌دهنده میزان رضایت ساکنین از قلمرو خصوصی و میزان حضور در قلمرو عمومی و نیمه‌خصوصی است. با مقایسه فراوانی‌های به‌دست‌آمده در جدول ۶ مشخص می‌شود ساکنین فاز (۲) رضایت بیشتری از قلمرو خصوصی یعنی بلوک‌های مسکونی خود دارند. فراوانی‌های به‌دست‌آمده از جدول ۷ هم‌گویای درصد پایین حضور و ملاقات ساکنین در قلمرو نیمه خصوصی بوده است. به‌نظر می‌رسد پایین بودن نرخ ملاقات در قلمرو نیمه خصوصی برخلاف مطالعات سایر محققین، با کیفیت پایین

فضایی آمده است. بنابراین این جدول، حضور ساکنین در فضاهایی با کیفیات زیر بیشتر است: انعطاف‌پذیر، واجد کاربری‌های مختلف، آشنا بودن نسبت به فضا، آشنا بودن نسبت به کاربران فضا، دید و چشم‌انداز مطلوب.

جدول ۹. میانگین و انحراف استاندارد حضور ساکنین در فضاهای با فعالیت مشترک قابل توجه

	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
مدارس فرزندان	۳۷۳	۱	۵	۲/۹۳	۱/۱۸۸
مرکز خرید	۳۷۶	۱	۵	۲/۷۴	۱/۱۱۳
مرکز فرهنگی	۳۷۳	۱	۵	۲/۹۷	۱/۲۹۹
کافه کتاب، کافی شاپ و...	۳۷۸	۱	۵	۳/۲۸	۱/۲۱۴
صحن مسجد و حسینیه	۳۷۰	۱	۵	۲/۳۸	۱/۳۲۷
باشگاه ورزشی	۳۷۷	۱	۵	۳/۲۳	۱/۱۱۵
Valid N (listwise)	۳۶۳				

جدول ۱۰. میانگین حضور ساکنین در فضا براساس کیفیات فضایی

	مسیر منحنی‌وار سبز	درخت کهن سال بلند	فضای آشنا	واجد آدم های آشنا	مجلل و پر زرق و برق	ساده بدون زرق و برق	کاربری مختلط	انعطاف پذیری	سلسله مراتب سواره و پیاده	دید و چشم انداز	دنج و بزرگ و پر کوچک رفت و آمد	Valid N
Mean	۲/۵۰	۲/۷۵	۲/۸۸	۲/۹۸	۲/۵۳	۲/۴۵	۳/۲۵	۳/۳۴	۲/۱۹	۲/۸۱	۲/۵۰	۲/۵۸
Missing	۲	۲	۶	۱	۱۳	۱۰	۱	۸	۱۸	۱	۹	۳
Valid	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۲	۳۷۷	۳۶۵	۳۶۸	۳۷۷	۳۷۰	۳۶۰	۳۷۷	۳۶۹	۳۷۵

دهنده وجود رابطه معنادار متوسط برای متغیر عزت نفس، تعلق خاطر و سرمایه اجتماعی است، ضمن اینکه مقدار p هم کوچک‌تر از ۰/۰۵ قرار دارد.

جدول ۱۲. جدول ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر وابسته و مستقل

	رضایت از قلمرو خصوصی	تعلق خاطر	عزت نفس	سرمایه اجتماعی
Pearson Correlation	۰/۷۰۲**	۰/۶۱۱**	۰/۶۵۶**	۱
Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
N	۳۷۶	۳۶۴	۳۵۸	۳۷۸

** . Correlation is significant at the 0/01 level.

در ادامه، جهت بررسی همبستگی سرمایه اجتماعی با قلمروهای فضایی و ویژگی‌های فردی ساکنین، باید از نرمال بودن توزیع متغیرها اطمینان حاصل شود و در صورتی که مقادیر به دست آمده برای چولیدگی و کشیدگی داده‌ها در بازه (۲-۲) قرار گیرد (میرزاده، ۱۳۹۲) توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود که جدول ۱۱ مؤید این نکته است. برای تحلیل رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد، بین سرمایه اجتماعی و رضایت از قلمرو خصوصی، رابطه معنی‌داری وجود دارد (مقدار p از ۰/۰۵ کوچکتر و ضریب همبستگی برابر با ۰/۷). این رابطه به صورت مستقیم و در سطح خوب قرار دارد، یعنی با افزایش رضایت از قلمرو خصوصی، سطح سرمایه اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. همچنین ضریب همبستگی برای متغیرهای سرمایه اجتماعی، عزت نفس و تعلق خاطر در جدول ۱۲، نشان-

جدول ۱۱. ضریب چولیدگی و کشیدگی متغیرها

	حضور در قلمرو عمومی باز و نیمه خصوصی	حضور در قلمرو عمومی واجد فعالیت مشترک	حضور در قلمرو عمومی باز	حضور در قلمرو نیمه خصوصی	تعلق خاطر	عزت نفس	سرمایه اجتماعی کل	رضایت از قلمرو خصوصی
N	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۶۴	۳۵۸	۳۷۸	۳۷۶
Valid	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۶۴	۳۵۸	۳۷۸	۳۷۶
Missing	۰	۰	۰	۰	۱۴	۲۰	۰	۲
Skewness	۰/۶۳۳	-۰/۲۷۷	۰/۱۶۱	۰/۶۳۸	-۰/۶۴۹	-۰/۸۳۹	۰/۵۷	-۰/۲۵۴
Std. Error of Skewness	۰/۱۲۵	۰/۱۲۵	۰/۱۲۵	۰/۱۲۵	۰/۱۲۸	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵	۰/۱۲۶
Kurtosis	۰/۵۷۲	-۰/۷۹۷	-۰/۴۱۲	۰/۰۶۵	-۰/۱۵۸۷	-۱/۳۰۳	-۰/۱۵۳	-۰/۲۷۶
Std. Error of Kurtosis	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۵	۰/۲۵۷	۰/۲۵۰	-۰/۲۵۱

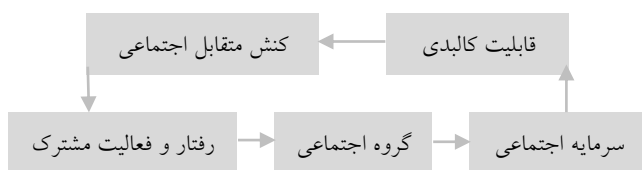
جدول ۱۵. جدول ضرائب a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
Constant	۰/۳۷۳	۰/۱۴۲		۲/۶۲۵	۱/۰۰۹
رضایت از قلمرو خصوصی	۰/۷۶۷	۰/۰۴۰	۰/۷۰۲	۱/۰۶۰	۱/۰۰۰

Dependent Variable: a. کل اجتماعی سرمایه

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فضای کالبدی محلات قابلیت لازم را برای حضور ساکنین و روابط اجتماعی آن‌ها فراهم نمی‌کند. روابط اجتماعی در صورت استمرار در محلات از یک‌سو اعتماد ساکنین به یکدیگر را تقویت می‌کند و منجر به کنش اجتماعی متقابل می‌شود و از سوی دیگر با همراهی فعالیت مشترک مهم در قالب گروه‌های اجتماعی در ارتقای سرمایه اجتماعی محله نقش به‌سزایی دارد (شکل ۷).



شکل ۷. چرخه ارتباط سرمایه اجتماعی و فضای کالبدی

در مرحله آخر جهت ترسیم معادله خطی میان متغیرها از رگرسیون تک‌متغیره استفاده شده است. خروجی جدول ۱۳ نشان از وجود رابطه در مدل خطی مربوطه دارد. براساس رابطه خطی رگرسیونی و مقدار R^2 ، حدوداً ۴۹ درصد تغییرات سرمایه اجتماعی (متغیر وابسته)، توسط مدل پیشنهادی پوشش داده می‌شود و با توجه به مقدار p ضرایب در جدول ۱۵، این مدل با ضریب ۰/۷۶ برای متغیر مستقل (قلمروی خصوصی) و عدد ثابت ۰/۳۷ قابل تعریف است، ضمن اینکه جدول آنالیز واریانس (جدول ۱۴) هم مؤید صحت رگرسیون خطی است.

جدول ۱۳. خلاصه مدل پیشنهادی

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۷۰۳ ^a	۰/۴۹۳	۰/۴۹۱	۰/۷۲۵

Predictors: (Constant) a. خصوصی قلمرو رضایت از

جدول ۱۴. آنالیز واریانس a

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۱۹۱/۱۶۱	۱	۱۹۱/۱۶۱	۳۶۳/۲۸۹	۰/۰۰۰ ^b
Residual	۱۹۶/۷۹۷	۳۷۴	۰/۵۲۶		
Total	۳۸۷/۹۵۷	۳۷۵			

Dependent Variable: a. کل سرمایه اجتماعی

Predictors: (Constant) b. خصوصی قلمرو رضایت از

مرور منتقدانه رویکردها و دیدگاه‌هایی که تاکنون در زمینه ارتباط کالبد فضایی و سرمایه اجتماعی مطرح شده است، نشان دهنده عدم توافق بین مطلوب‌ترین فضای کالبدی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی است. این تناقضات به دلیل محوریت انسان، فعالیت‌ها و کنش‌های مختلف او، همچنین وجود متغیرهای مداخله‌گر زیاد در این زمینه می‌باشد. یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار در روابط اجتماعی ساکنین و ارتقای سرمایه اجتماعی، قلمروهای فضایی است. شناخت تأثیر قلمروهای سه‌گانه فضایی بر سرمایه اجتماعی که هدف این تحقیق است با پیاده‌سازی و سنجش ارتباط بین شاخص‌های قلمروهای فضایی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در شهرک اکباتان به عنوان محله منتخب صورت گرفته است. در گام اول این تحقیق، با مطالعه در مبانی نظری، قلمرو فضایی به عنوان مؤلفه کالبدی که کمتر در زمینه سرمایه اجتماعی به آن پرداخته شده است، شناسایی و شاخصه‌های آن استخراج شد و در گام بعد ارتباط بین این شاخصه‌ها و کیفیات کالبدی هر قلمرو با سطح سرمایه اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت.

عموم تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتقای روابط اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی، به طراحی فضای عمومی با کیفیت مطلوب و زندگی پیاده اشاره دارند، اما در پیمایش فازهای شهرک اکباتان که واجد فضای عمومی مطلوب و قابل توجهی می‌باشند، نتیجه‌ای متفاوت از نظریه‌های موجود به دست آمد. در این شهرک با وجود اینکه تنوع فضای عمومی و توجه به طراحی مسیرهای پیاده در فاز (۱) بیشتر از فاز (۲) است، سطح سرمایه اجتماعی پایین‌تر است. تحلیل‌های آماری در این فازها نشان می‌دهد که رضایت افراد از قلمروی خصوصی، در میزان سرمایه اجتماعی ساکنین نسبت به مؤلفه‌های قلمروی نیمه خصوصی و عمومی تأثیرگذاری بیشتری دارد، به عبارت دیگر چیدمان فضایی مسکن، شرایط مطلوب تأسیسات و نمای آن که منجر به رضایت ساکنین می‌شود با سرمایه اجتماعی همبستگی قابل توجهی دارد. پیش از این نیز ایوانز^۱ (۲۰۰۳) در مقاله «محیط ساخته شده و سلامت روانی» به این نتیجه رسیده بود که ویژگی‌هایی مانند گونه‌های مسکن اثر مستقیمی بر سلامت روان دارد و نارضایتی از محیط ساخته شده، روابط حمایتی بین افراد را کاهش می‌دهد. از سویی در مبانی نظری مطرح شده،

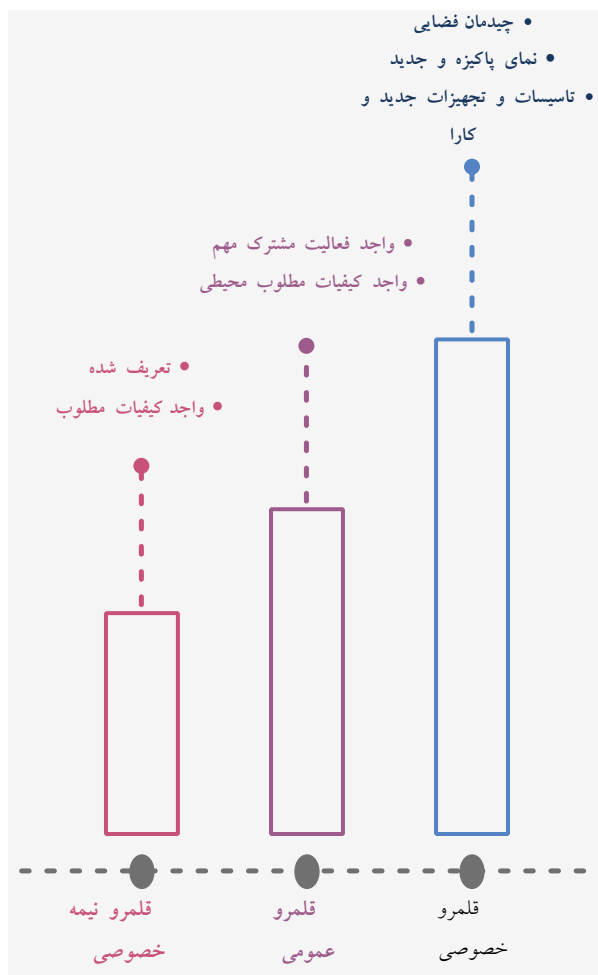
روابط حمایتی از شاخصه‌های سنجش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، لذا گونه مسکن بر سطح سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است؛ این نکته با نتایج تحقیق جاثونگ وون (۲۰۲۰) در مقاله «تأثیر محیط‌های مسکونی بر سرمایه اجتماعی و نتایج بهداشتی در بین ساکنان مسکن اجاره‌ای عمومی در سئول، کره جنوبی» نیز هماهنگ می‌باشد، وی در این مقاله بر اهمیت قلمرو خصوصی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند. لازم به ذکر است که سکونت در محله‌ای پیاده‌مدار احتمال حضور ساکنین و روابط اجتماعی آن‌ها در محله را افزایش می‌دهد. منظور از محله پیاده‌مدار غلبه مسیرهای پیاده بر سواره محله است، ضمن اینکه سلسله مراتب مسیرها از سواره تا پیاده به صورت مسیر سواره تندرو، کندرو و پیاده رعایت شده باشد، وجود مسیر پیاده (به ویژه جاده سلامتی فاز ۲) در اکباتان این نکته را تأیید می‌کند. این نکته از نظریه‌های مشابه فراوانی نظیر کستاس موراتیدیس (۲۰۱۸)، جیکوبز (۱۹۶۱) و اپلیارد (۱۹۸۱) حمایت می‌کند.

نکته قابل بحث دیگر در این تحقیق، ضعیف بودن روابط اجتماعی غیررسمی در قلمروهای نیمه خصوصی نسبت به قلمروی عمومی است. منظور از قلمروی نیمه خصوصی فضاهایی است که در نزدیکی و مجاورت مجتمع مسکونی تعریف و مکان‌یابی شده‌اند (نظیر لابی و ورودی مجتمع‌ها، فضای باز مشترک محدود بلوک‌ها، پارکینگ جمعی خصوصی). در این تحقیق قلمروی نیمه خصوصی نسبت به قلمروی عمومی در بالابردن سطح سرمایه اجتماعی و افزایش روابط نزدیک و غیررسمی ساکنین تأثیرگذاری کمتری دارد، درحالی‌که پیش از این لیزا میشل بوت (۲۰۱۸) بر اهمیت روابط غیررسمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تأکید کرده بود، همچنین این نتیجه‌گیری با تحقیقات هوگربروگ (۲۰۱۸) و یان گل (۱۹۷۱) و توسلی (۱۳۹۵) نیز هماهنگ نیست.

علاوه براین، بررسی تحلیل‌های آماری گویای آنست که نرخ حضور ساکنین در فضاهای خدماتی و عمومی که در فعالیت‌های مهم اشتراک دارند با نرخ حضور ساکنین در قلمرو عمومی باز (نظیر فضای سبز و فضای بازی کودک) تقریباً برابر است، همچنین بیشتر از حضور در قلمروهای نیمه خصوصی و عمومی باز است. رفیع‌پور (۱۳۹۵) در کتاب «آناتومی جامعه» با تأکید بر فعالیت مشترک مهم، این مؤلفه تشکیل‌دهنده گروه‌های اجتماعی را واجد بیشترین اهمیت در تقویت گروه‌های اجتماعی برشمرده و همانطور که در بخش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مطرح شد عضویت فعال در گروه‌های اجتماعی

به مکان‌هایی از محله جذب می‌شوند که می‌توانند فعالیت بدنی و ورزشی انجام دهند؛ ضمن اینکه تمایل آن‌ها به داشتن فضای شخصی و خصوصی در محیط‌های طبیعی شیوه‌ای برای تعیین حریم‌های شخصی مطلوب آن‌هاست، لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، کاوش‌های میدانی وسیع‌تری بر رفتار حرکتی فضایی افراد در گروه‌های سنی مختلف جهت تبیین مدلی بر مبنای عوامل تأثیرگذار بر روابط اجتماعی غیررسمی محلات صورت پذیرد.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مدل‌یابی بهینه کالبد معماری فضاهای همسایگی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی محلات منتخب تهران)» با همکاری نویسندگان می‌باشد.



شکل ۸. سطح سرمایه اجتماعی براساس ویژگی‌های قلمرو فضایی

از عوامل تقویت سرمایه اجتماعی است، لذا اهمیت فعالیت مشترک مهم در بستر فضاهای خدماتی عمومی جهت تقویت سرمایه اجتماعی، نظریات رفیع‌پور (۱۳۹۵) را تکمیل می‌کند. ضمناً در این تحقیق ثابت شد که عزت‌نفس به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی افراد که در شکل‌گیری روابط اجتماعی مؤثر می‌باشد، همچنین تعلق‌خاطر، به عنوان عامل تأثیرگذار ثانویه که از طریق عضویت در گروه اجتماعی به وجود می‌آید با سرمایه اجتماعی همبستگی دارد.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که به ترتیب رضایت از قلمرو خصوصی با شرایط مناسب، قلمرو عمومی مطلوب و در نهایت قلمروی نیمه خصوصی، با حضورپذیری ساکنین و افزایش سرمایه اجتماعی همبستگی دارند. علاوه براین، وجود فعالیت و رفتار مشترک مهم در بستر فضاهای خدماتی عمومی در ارتقای سرمایه اجتماعی اهمیت زیادی دارد. نکته دیگر آنکه عزت‌نفس و تعلق‌خاطر به عنوان ویژگی‌های فردی ساکنین محله در سرمایه اجتماعی مهم به نظر می‌آید که در تحقیقات این حوزه به ندرت مطرح شده است.^۱ یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد، توجه به نیازهای اولیه ساکنان (مسکن مطلوب) و سپس بهبود کیفیت کالبدی قلمروی عمومی و نیمه خصوصی، همراه با تعریف فعالیت و رفتار مشترک مهم در بستر کالبدی باید در برنامه‌ریزی‌های محلی جهت ارتقا سرمایه اجتماعی در اولویت قرار گیرند (شکل ۸). ویژگی‌های کیفی مطلوب جهت افزایش روابط غیررسمی و ارتقا سطح سرمایه اجتماعی عبارتند از: امکان وقوع فعالیت‌های متنوع همزمان (انعطاف‌پذیری)، کاربری‌های متنوع به گونه‌ای که منجر به رفت و آمد و شلوغی زیاد نشود، چشم‌انداز و دید مطلوب، درختان کهن‌سال، قدمت فضا به معنای حضور ذهن ساکنین از فضا، وجود کاربران ثابت و آشنا، فضاهای ساده، متقارن و فاقد پیچیدگی.

نکته قابل توجهی که در این تحقیق به آن پرداخته نشده است، تأثیرگذاری رفتار گروه‌های سنی و نوع تعاملات آن‌ها در طراحی فضاهای کالبدی محلات است، چرا که به دلیل ادراکات مختلف در گروه‌های سنی، حضورپذیری آن‌ها در فضا، متفاوت است؛ به عنوان مثال طبق تحقیقات ابوت چپمن و رابرتسون^۲ (۲۰۰۹) محلاتی که فضاهای طبیعی بیشتری برای بازی دارند برای کودکان جذاب‌تر است و در مقابل، افراد جوان

۱. در زمینه عزت‌نفس جان‌ونگ وون (۲۰۲۰) و در زمینه تعلق‌خاطر لیزا میشل بوت (۲۰۱۸) اشاراتی در تحقیقات خود داشته‌اند.

2. Abbott-Chapman and Robertson

منابع

- تهرانی: ابعاد.
- قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۷). ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه بندی فرهنگی اجتماعی محله‌های شهر تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۷ (۴)، ۷۶۱-۷۳۱.
- قرائی، آزاده، زبردست، اسفندیار، ماجدی، حمید (۱۳۹۷). تبیین ارتباط میان فرم شهر و پایداری اجتماعی، مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۳ (۷)، ۷۹-۹۳.
- عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تاکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۲ (۷۲)، ۸۳-۱۰۲.
- کارمونا، تیزدل و متیو، استیو (۱۳۹۴). *خوانش مفاهیم طراحی شهری*. ترجمه کامران ذکات و فرناز فرشاد، تهران: آذرخش.
- کریمی، مرضیه، درویش‌نوری، سیمین و هروی، هلن (۱۳۹۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی تعهد سازمانی رفتار فرانقشی در محیط‌زیست. *مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۱۶، ۱-۶.
- گل، یان (۱۳۹۶). *شهرهایی برای مردم*، ترجمه مریم چرخچیان، تهران: گهر دانش.
- گل، سوار و یان، برجیت (۱۳۹۶). *چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم*. ترجمه مصطفی بهزادفر و همکاران، تهران: علم فردا.
- مظفر، فرهنگ و اسدپور، علی (۱۳۹۱). نقش الگوهای شکلی و اجتماعی در ساماندهی فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی، قیاس تجارب شهرسازی قرن بیستم و نمونه‌های ایرانی. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۳، ۱۱-۱.
- میرزاده، محمدرضا (۱۳۹۲، ۱۰ مرداد). *بررسی نرمال بودن و روش‌های نرمال‌سازی داده‌ها در SPSS* بازبایی شده از: <http://www.m-mirzadeh.blogfa.com/category/1>
- هاشم‌پور، پریسا و سامی، زیبا (۱۳۹۷). نقش کالبد مجتمع مسکونی در حیات پذیری اجتماعی، مطالعه موردی: مجتمع مسکونی امام ره، چمران و آسمان تبریز. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۳ (۷)، ۶۸-۷۸.
- باستانی، سوسن (۱۳۹۴). *زنان و سرمایه اجتماعی*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- برادران، سیروس (۱۳۹۸، ۱ آذر). *پلان‌های شهرک اکباتان تهران فاز ۱-۲-۳*، بازیابی شده از: <https://farsicad.com>
- پورجعفر، محمدرضا و محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۸). *طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری*. تهران: هله. پیران، پرویز (۱۳۹۲). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*. تهران: علم.
- توسلی، محمود (۱۳۹۵). *طراحی دسترسی: اصول و روش‌های طراحی شهری و فضا مسکونی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- خوشدل، فاطمه (۱۳۹۶). *بررسی تفاوت‌های فضایی سرمایه اجتماعی بین شهر قدیم و جدید لار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزه‌واری.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۵). *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سلاورزی زاده، محمد، شیخی، حجت و شکاری، زینب (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای، مطالعه موردی: شهر ایلام. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۳ (۱)، ۱۳۶-۱۲۳.
- سلطان‌زاده، محمد (۱۳۹۶). *مفهوم سرمایه اجتماعی در معماری مجتمع‌های مسکونی جوامع اسلامی*. پایان‌نامه دکتری، معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر تبریز.
- شکیبایی بیدرونی، فاطمه (۱۳۹۶). *ارزیابی اثرات متقابل ساختار کالبدی فرم محله‌های شهری بر حضورپذیری و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی*، مطالعه موردی: قزوین. *آرمان‌شهر*، ۲۳، ۳۰۶-۲۹۵.
- فدایی‌تهرانی، افسانه، سلیمی، مهدی، مستحفظیان، مینا و عروفرزاده، شهرام (۱۳۹۹). *الگوی پارادایمی توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان‌های ورزشی با رویکرد کیفی داده بنیاد*. *مدیریت فرهنگی سازمانی*، ۱۸ (۳)، ۵۸۵-۶۱۱.
- فرگاس، جوزف پی (۱۳۹۹). *روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی)*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت،

- Abbott-Chapman, J. and M. Robertson (2009). Adolescents' Favorite Places: Redefining the Boundaries between Private and Public Space. *Space and culture*, 12 (24), 419-434.
- Barton, Hugh, Grant, Marcus, Guise, Richard (2003). *Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality*. Spon Press: Taylor & Francis.
- Bott, Lisa-Michéle, Ankel, Leda, Braun, Boris (2019). Adaptive neighborhoods: The interrelation of urban form, social capital, and responses to coastal hazards in Jakarta. *Geoforum*, 106, 202–213.
- Chen, Long (2018). *The Relationship between Urban Form and Urban Sustainability: Empirical Evidence from Florida*, PhD Thesis, Department of Urban and Regional Planning, College of Social Sciences & Public Policy.
- Engbers, Trent A., Thompson, Michael F., Slaper, Timothy F. (2016). *Theory and Measurement in Social Capital Research*, Springer Science+Business Media Dordrecht.
- Evans, G. W (2003). The built environment and mental health. *Journal of Urban Health*, 80 (4), 536–555.
- Felcio, J. A., Couto, A., Caiado, A. (2014). Human capital, social capital and organizational performance. *Management Decision*, 52(2), 350-364.
- Fithria, Irfani, Muzayanah, Ummul, Nazara, Suahasil, Raksaka Mahi, Benedictus, Hartono, Djoni (2020). Is there social capital in cities? The association of urban form and social capital formation in the metropolitan cities of Indonesia. *International Journal of Urban Sciences*, Taylor & Francis Group, 24 (4), 532-556.
- Hemani, Shruti, Das, A. K., Chowdhury, Anirban (2017). Influence of urban forms on social sustainability: A case of Guwahati, Assam. *Urban Design International*, 22, 168–194.
- Hoogerbrugge, Marloes M., Burger, Martijn J. (2018). Neighborhood Based social capital and life satisfaction: the case of Rotterdam, The Netherlands. *Urban Geography*, Taylor & Francis Group, 39 (10), 1484–1509.
- Koohsari, M.J, Karakiewicz, J.A, Kaczynski, A.T, (2012) Public Open Space and Walking: The Role of Proximity, Perceptual Qualities of the Surrounding Built Environment, and Street Configuration. *Environment and Behavior*, 45 (6) 706–736.
- Mouratidis, Kostas (2018). Built environment and social well-being: How does urban form affect social life and personal relationships. *Cities*, 74, 7-20.
- Poecze, Flora, Straus, Christine (2020). Social Capital on Social Media—Concepts, Measurement Techniques and Trends in Operationalization. *Information*, 11(11), 515.
- Ritu, Gulati (2020). Neighborhood spaces in residential environments: Lessons for contemporary Indian context. *Frontiers of Architectural Research*, 9, 20-33.
- Wood, L.J, (2006) *Social Capital, Neighbourhood Environment and Health: development of measurement tools and exploration of links through qualitative and quantitative research*, Doctoral dissertation, Australia, University of Western Australia.
- Wood, L, Shannon, T, Bulsara, M, Pikora, T, McCormack, G, Giles-Corti, B, (2008). The anatomy of the safe and social suburb: An exploratory study of the built environment, social capital

- and residents' perceptions of safety. *Health & Place*, 14, 15–31.
- Won, Jaewoong, Lee, Jae-Su (2020). Impact of residential environments on social capital and health outcomes among public rental housing residents in Seoul, South Korea. *Landscape and Urban Planning*, 203, 1-11.
- Claridge, Tristan (January 17, 2018). What is Relational Social Capital, Retrieved from: <https://www.socialcapitalresearch.com/relational-social-capital>